

نویسنده: دکتر مرتضی عمادزاده

## سیاستهای پولی و تجربیات دهساله اخیر ایران

### چکیده

بررسی نتایج تجربی حاصل از سیاست‌گزاریهای اقتصادی سه دهه اخیر و همچنین مطالعه گزارشات رسمی اقتصادی کشورمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی بیانگر این واقعیت است که اجرای سیاستهای پولی در ایران هیچگاه با موفقیت لازم همراه نبوده است. در بررسی عللی که موجب عدم موفقیت اجرای سیاستهای پولی برای رسیدن به اهداف اقتصادی بوده اند، دو گروه عوامل، نقش مؤثرتری داشته اند. گروه اول دارای منشاء نظری هستند که به ویژگیهای اجرای سیاستهای پولی مربوط است بویژه در جوامعی که دارای اقتصادهای پولی پیشرفته‌ای می‌باشند. گروه دوم به شرایط و ساختار اقتصادی خاص کشورهای در حال توسعه — به طور اعم — و ویژگیهای اقتصاد ایران — به طور اخص — مربوط است که موجب می‌شوند تا اجرای سیاستهای پولی با موفقیت کافی همراه نگردد. از آنجائیکه لازم است سیاستهای پولی به عنوان یک ابزار اجرائی، جایگاه مؤثر خود را در رسیدن به اهداف اقتصادی پیدا کنند و به صورت اهرمی توانمند در اختیار مقامات پولی کشور قرار گیرد، در این مقاله سعی می‌شود علل بازدارنده موفقیت اجرای سیاستهای پولی به اختصار بررسی شود. در قسمت اول عوامل مربوط به مبانی نظری و در قسمت دوم عوامل مربوط به ویژگیهای اقتصاد ایران مختصراً تحلیل می‌شود و در قسمت

سوم ضمن نگرشی به عوامل ساختاری بازدارنده در اجرای سیاستهای پولی، همراه با نتیجه گیری، پیشنهاداتی نیز مطرح خواهد شد.

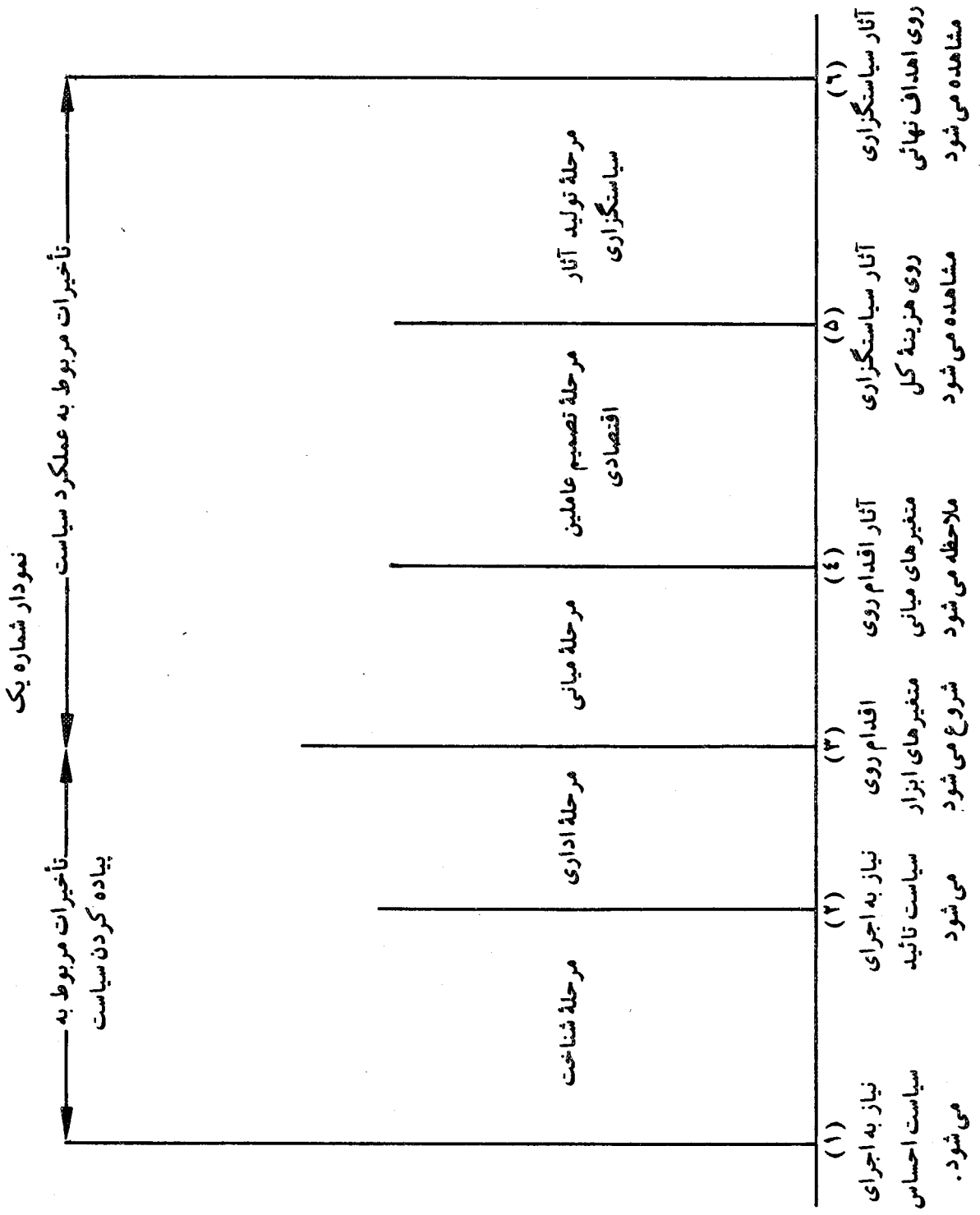
### قسمت اول: عوامل نظری

حاصل از اجرای سیاست، معمولاً در جهت اهداف سیاستگزاری است، در بلند مدت - که شرایط اولیه اقتصاد زائل می شود - نتایج بدست آمده غالباً در جهت خلاف اهداف مورد نظر عمل می کند. در این شرایط سیاست پولی بیش از آنچه که ثبات آفرین باشد به بی ثباتی و عدم تعادل دامن می زند (۲) نمودار شماره یک مراحل مختلف اجرای سیاستهای پولی را که نشاندهنده فواصل زمانی بین هر یک از مراحل تصمیم گیری، اجرا و مشاهده آثار سیاستگزاری است بیان می کند.

از زمانیکه لزوم اجرای سیاست پولی به هر دلیل احساس می شود، تا زمانیکه در اثر بررسی و مطالعه داده های آماری اجرای سیاست توجیه و الزام آور می گردد (مرحله شناخت) و از هنگام پذیرش لزوم اجرای سیاست، تا مرحله انتخاب مناسب ترین ابزار اجرایی و اقدام برای اعمال سیاست (مرحله اداری)، مجموعاً دوره تاخیرات مربوط به پیاده کردن سیاست را مشاهده می کنیم.

گرچه اهداف عمده ای از قبیل اشتغال کامل، تثبیت و حفظ ثبات قیمت ها، تعادل در تراز پرداختها و دستیابی به درجه مطلوبی از رشد، جملگی به عنوان اهداف اساسی سیاستگزاریهای اقتصادی در میان همه اقتصاددانان مورد توافق می باشد، اما اینکه سیاستهای پولی تا چه حد می تواند سیاستگزاران را در رسیدن به این اهداف یاری دهند، از جمله مقولاتی است که در مورد آن بین اقتصاددانان توافق نظر وجود ندارد. این عدم توافق بیشتر به علت ویژگیهای خاص سیاست پولی و اهرمهای اجرایی آن است که در این نوشتار به تعدادی از عمده ترین آنها اشاره می شود.

۱- اعتقاد بر آنست که سیاست پولی به عنوان یک ابزار مدیریت اقتصادی، ابزار توانمندی نیست (۱) زیرا در مواردی که نتیجه اجرای سیاست پولی با تاخیر ظاهر می شود، به علت طولانی بودن فاصله زمانی بین مرحله بروز عوارض مشکلات جاری اقتصاد که سیاستگزاری خاصی را می طلبد، تا زمان اتخاذ تصمیم نسبت به شیوه اجرای سیاست، انتخاب اهرمهای متناسب، اجرای سیاست و بالاخره ملاحظه آثار آن، فاصله زیادی وجود دارد و علی رغم آنکه در کوتاه مدت نتایج



از هنگامیکه اجرای سیاست با فعال کردن متغیرهای ابزار (نرخ تنزیل مجدد، نرخ ذخائر قانونی بانکها، عملیات بازار باز، نرخ بهره بانکی) شروع می شود، تا زمانیکه این اقدام بر روی متغیرهای میانی (عرضه پول، حجم سرمایه گذاری،...) ظاهر می گردد (مرحله میانی)، مدت زمانی طول می کشد. این طول مدت به عوامل مختلفی بستگی دارد. از جمله دقت در انتخاب ابزارها و توانمندی ابزارهای انتخاب شده و کشش پذیری متغیرهای تابع نسبت به تغییرات حادثه در اهرمهای اجرایی سیاست پولی. از این مرحله تا زمانیکه آثار تغییرات بر متغیرهای میانی مانند تقاضای مؤثر و جمع هزینه ها دیده شود (مرحله تصمیم گیری عاملین اقتصادی) تا زمانیکه آثار سیاستگزاری بر اهداف نهائی (کنترل تورم، افزایش اشتغال،.....) ملاحظه گردد، مرحله تولید آثار سیاستگزاری را خواهیم داشت.

مشاهده می شود که از نقطه شروع که شرایط اولیه اقتصادی جامعه، اجرای نوعی سیاستگزاری پولی را می طلبیده تا زمانی که سیاستگزاری اعمال و هدایت شود و به نتیجه ای بینجامد فاصله زمانی بقدری است که طی این مدت شرایط اولیه اقتصاد می تواند بکلی تغییر کند، با اینهمه آثاری که در نهایت آشکار می شوند غالباً با اهداف اصلی سیاستگزاری مغایر خواهد بود.

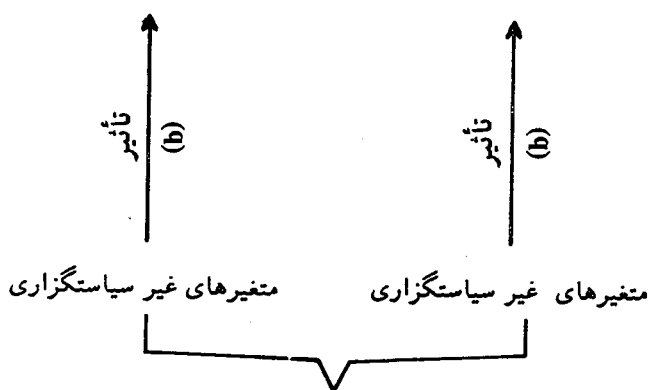
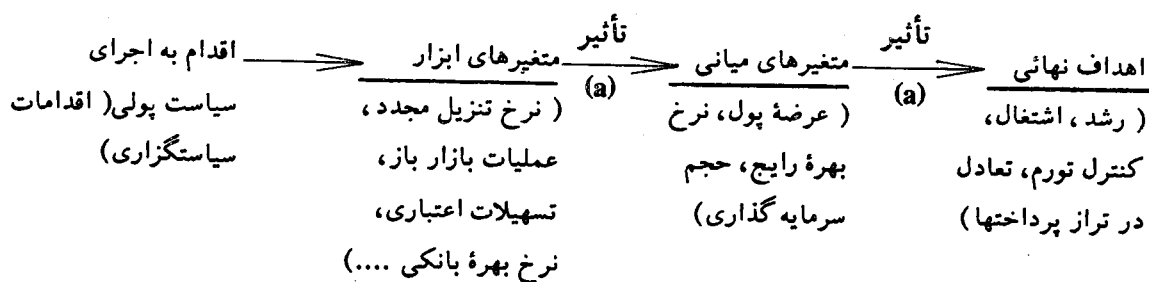
۲- مسأله دیگری که به عنوان یکی از

عوامل نارسائی در اجرای سیاستهای پولی اهمیت فراوانی دارد، اینست که سیاستگزاران و مقامات پولی هیچگاه نمی توانند تا درجه مطلوبی از حتمیت از حدود اثرگذاری تغییر هر متغیر ابزار بر متغیرهای میانی و همینطور از حدود اثرگذاری تغییر هر متغیر میانی بر متغیر هدف، اطمینان داشته باشند. از جمله علل این عدم حتمیت یکی آنست که مقامات پولی از روابط ساختاری موجود بین اقداماتشان روی متغیر ابزار و آثاریکه روی متغیر هدف می گذارد اطلاعاتی لازم و کافی ندارند و دیگر آنکه تأثیر اعمال سیاستها بر اهداف موردنظر همواره به طور غیرمستقیم صورت می پذیرد، به این معنا که تغییر در متغیر ابزار "مثل نرخ تنزیل مجدد" ابتدا یک هدف میانی "مانند تسهیلات اعتباری و تقاضای منابع سرمایه گذاری..." را تحت تأثیر قرار می دهد و سپس حجم سرمایه گذاری - به شرط تأثیرپذیری لازم - سطح اشتغال را متأثر خواهد کرد. در این زمینه یک نکته قابل توجه آنست که انتظار تأثیرپذیری هر متغیر از تغییر متغیرهای قبلی آن به شرایط و پیش نیازهای متنوع و گوناگونی بستگی دارد که در سایر مسائل اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی جامعه ریشه دارد و به علت عدم آگاهی کامل و اشراف سیاستگزار به ابعاد وسیع همین مسائل است که از این سیر حرکتی نتیجه گیری نهائی را نمی توان به درستی پیش بینی کرد. نکته دیگر

اهداف نهائی از سیاست‌گذاری مترتب می‌نمایند که این اثرات ممکن است کاملاً در جهت مخالف اهداف مورد نظر اجرای سیاست پولی باشد. چنانچه با استفاده از نمودار شماره دو تابع هدفی را به صورت

این است که برخی از عوامل غیرسیاست‌گذاری، همچون شرایط سیاسی - اجتماعی جامعه و انتظارات عاملان اقتصادی، تغییرات در سطح تکنولوژی، عوامل تاثیرگذار بر تجارب بین‌المللی و... اثراتی را بر اهداف میانی و

نمودار شماره دو



$T = ap + bN$  تابع هدف

$T =$  هدف

$P =$  اقدامات سیاستی

$N =$  اقدامات غیرسیاستی

$a, b =$  پارامترهای تابع

انتظارات عاملین اقتصادی

تغییرات سطح تکنولوژی

تغییرات شرایط تجارت خارجی

اختراعات پولی

$a$  و  $b$  داریم درجه اطمینان ما از نتایج مورد انتظار در مسیر حرکت از متغیر  $P$  به متغیر  $T$  دارای ابهامات زیادی است که احتمال نتیجه گیری مطلوب از اجرای سیاست پولی را با پرسشهای فراوانی مواجه می کند، زیرا عمده ترین وظایف سیاستگذاران پولی آنست که اولاً بدانند کدام متغیر ابزار را در کدام جهت و به چه مقدار تغییر دهند تا اقتصاد جامعه در سمت دستیابی به اهداف سیاستگذاری هدایت شود، ثانیاً از شاخصهای معتبری استفاده شود تا به وسیله آنها درجه همسوئی و نزدیکی نتایج حاصله را با هدف مورد نظر بسنجند و هرگاه انحرافی از مسیر را مشاهده کنند بتوانند بسرعت اقدامی اصلاحی انجام دهند. دو مسأله پیشین که موضوع تاخیرات نسبتاً طولانی در مشاهده آثار سیاستگذاری و حضور عوامل تاثیرگذار و غیر قابل کنترل در مسیر اجرای سیاست پولی است، توانمندی مسوولان اجرای سیاست پولی را در اجرای این سیاست به مقدار زیادی تضعیف می کند. گفته می شود که اجرای سیاستهای پولی علی رغم آنکه در کوتاه مدت می تواند به مقامات مسوول کمک کند تا در جهت اهداف سیاستگذاری حرکت نمایند، در بلند مدت تنها می تواند کمیت های اسمی را تحت تاثیر قرار دهد و از کنترل ارزش های حقیقی، ناتوان است (۳). در جهت تبیین این

$T=ap+bn$  تعریف کنیم ملاحظه می شود که با فعال نمودن اهرمهای سیاستگذاری (خرید یا فروش اوراق بهادار، تغییر نرخ تنزیل مجدد، تغییر سقف تسهیلات اعتباری...) که آن را با حرف  $P$  نشان می دهیم، آثاری بر اهداف میانمی (عرضه پول، حجم سرمایه گذاری...) و از آن به بعد نیز آثاری بر اهداف نهائی (اشتغال، رشد، کنترل تورم...) مترتب خواهد شد که نسبت تاثیر این اقدامات سیاستی بر اهداف را  $a$  مقدار فرض می کنیم. در طول اجرای سیاست پولی، مسلماً عوامل غیر سیاستگذاری دیگری همچون انتظارات عاملان اقتصادی، اختراعات پولی... بر اهداف مورد نظر سیاستگذار، تاثیر می گذارند که این عوامل را با  $N$  نشان می دهیم<sup>۲</sup> و نسبت تاثیر آنها را بر اهداف سیاستگذاری،  $b$  مقدار فرض می نمائیم. مشکل عمده در اجرای سیاستهای پولی آنست که  $a$  و  $b$  پارامترهایی هستند که از جهت و مقدار تاثیر آنها بر اهداف سیاستگذاری، اطلاع کاملی در دست نیست و می توان اینگونه تصور نمود که در طول اجرای سیاست پولی مسیر زیادی را در تاریکی و شرایط عدم اطمینان خواهیم پیمود.

$$P = \frac{T - bN}{a}$$

چنانچه تابع تعریف شده قبلی را به صورت

فراوانی که در مورد متغیر  $N$  و پارامترهای

بوده و افزایش زیادی نیافته است. با گذشت زمان وبه علت تجربه تورم، سراب پولی کارگران از بین می‌رود و انتظار افزایش دستمزدها زیاد می‌شود. این در حالی است که نرخ بیکاری بازار، کمتر از نرخ طبیعی بیکاری است. باتوجه به وجود مازاد تقاضای نیروی کار دستمزد واقعی شروع به افزایش می‌کند تا به نرخ اولیه اش برگردد (۵). از آنجائیکه در ادامه سیاست‌گذاری اولیه، نرخ انبساط پولی حفظ شده است افزایش دستمزدهای واقعی و ادامه این رویه انبساطی، نهایتاً نرخ بیکاری را به نرخ طبیعی باز خواهد گردانید ولی این بار با تجربه جدیدی که از سیر افزایش قیمت‌ها بدست آمده است سطح جدیدی از انتظارات تورمی در اذهان کارگران شکل خواهد گرفت و در هر مرحله کارگران انتظار افزایش دستمزد در نرخ‌های بیشتر از مرتبه قبل خواهند داشت. این مسائل موجب می‌شود که کارفرمایان کارگران کمتری را استخدام کنند و نتیجه نهائی آنست که نرخ بیکاری در حدی بالاتر از نرخ طبیعی قبلی بیکاری، تثبیت گردد. ملاحظه می‌شود که با ثابت بودن سایر شرایط، اجرای سیاست پولی در بلندمدت نخواهد توانست با کنترل ارزش‌های اسمی، ارزش‌های حقیقی را کنترل کند و ظاهراً بیکاری حقیقی و درآمد حقیقی در بلندمدت از طریق اجرای سیاست‌های پولی، کنترل و متعادل نمی‌شود.

مورد دیگری که علت عدم موفقیت

دیدگاه به دو مورد اشاره می‌کنیم:

مورد اول مربوط به زمانی است که خواسته شود بیکاری و یا اشتغال ناقص نیروی کار از طریق اجرای سیاست‌های پولی علاج شود. چون در هر زمانی، نرخ خاصی از بیکاری، که با ساختار دستمزدی واقعی متعادل است وجود خواهد داشت که در آن نرخ، دستمزدهای واقعی با یک نرخ طبیعی افزایش می‌یابند، بیکاری کمتر - که خودبه معنای وجود اضافه تقاضا برای نیروی کار است - موجب افزایش دستمزدهای واقعی می‌گردد (۴). چنانچه مقامات پولی بکوشند بیکاری را در نرخ‌های کمتر از نرخ طبیعی آن تثبیت کنند، معمولاً با افزایش تسهیلات اعتباری و کاهش نرخ بهره، باعث افزایش سرمایه‌گذاری و درآمد ملی می‌شوند. در این شرایط تولیدات افزایش و بیکاری کاهش می‌یابد و افزایش قیمت‌ها نیز معمولاً ملایم خواهد بود، پس دستمزدها نیز افزایش چندانی نخواهند داشت. در این وضعیت تولیدکنندگان، بیشتر تولید می‌کنند و به علت برقراری ساعات اضافه کاری و یا استخدام‌های جدید، بیکاری کاهش می‌یابد. تقاضای کل (مؤثر) نیز به علت افزایش درآمدها زیاد می‌شود. سرعت افزایش قیمت تولیدات در این مقطع سریعتر از رشد قیمت عامل کار است. در واقع باید گفت دستمزد حقیقی در این وضعیت تقلیل هم یافته است چون انتظارات افزایش حقوق از سوی کارگران در سطح افزایش قبلی قیمت‌ها

اولیه اتخاذ این سیاست بوده است تا مین نمی شود. (۶)

در اجرای سیاست پولی و درجه موفقیت آن، پیچیدگیهای زیادی وجود دارد که این پیچیدگیها عمدتاً به علت وجود فاصله زمانی نسبتاً طولانی بین مقاطع تصمیم گیری و بروز آثار اجرای سیاستها و همچنین وجود درجات مختلف کشش پذیری تصمیم گیری عاملین اقتصادی نسبت به تغییر متغیرهای پولی است.

بر اثر این پیچیدگیها، از یک سو درجه حتمیت نیل به آثار مورد نظر از اجرای سیاست کاهش می یابد و از طرفی نیز به علت آنکه معمولاً بین اهداف سیاستگزاری، مقداری تضاد وجود دارد، اجرای سیاستهای پولی، معمولاً با درجات کمی از موفقیت همراه است. مگر آنکه اهداف محدود و مشخصی را برای آن تعریف کرده باشیم. برای مثال، حفظ اشتغال در نرخهای بالا با هدف رشد هماهنگ است ولی این هر دو هدف با ثبات نسبی قیمتها که هدفی دیگر از سیاستگزاریهای اقتصادی است در تعارض قرار دارند. از طرف دیگر، ابزارهای سیاستی که برای رسیدن به اهداف خاصی انتخاب می شوند همواره در همسوئی و هماهنگی با یکدیگر قرار ندارند بطوری که ممکن است اجرای همزمان سیاستهای پولی، مالی و یا درآمدی در جهت افزایش درجه احتمال موفقیتها، اصطکاکاتی ایجاد کنند و با آثار ناهمسوئی که از خود برجای می گذارند به

سیاستهای پولی در بلندمدت است، مربوط به زمانی است که دولت بخواهد در جهت رشد سرمایه گذاریها، نرخ بهره را به طور غیرطبیعی پائین نگهدارد. در اینگونه موارد، با افزایش تقاضای (بازخرید) اوراق بهادار از سوی دولت، قیمت اینگونه اوراق افزایش و نرخ موثر بهره کاهش می یابد. در اثر این اقدام، به علت آنکه مردم پس از فروش اوراق دارائی و قبل از تبدیل نقدینگی خود به دارائی دیگر، پول خود را در حسابهای بانکی نگهداری می کنند از یک طرف دخائر بانکیها افزایش می یابد و تمایل به اعطای اعتبار بیشتر می شود که حرکتی در جهت اهداف سیاستگزاری است. از سوی دیگر نیز اشاعه نرخ کمتر بهره (مؤثر) به سایر بخشهای بازار پول، تشکیل سرمایه ثابت در بخش خصوصی را تقویت می کند و موجب رشد سرمایه گذاریها می شود. در طول زمان، با افزایش درآمد کل به علت افزایش سرمایه گذاریها، مصرف زیاد می گردد و با افزایش تقاضای مؤثر، قیمت ها نیز رو به رشد می گذارند. بنگاهها با مشاهده سیر فزاینده قیمتها، تقاضای اعتبار بیشتری می کنند که این امر به نوبه خود بانکیها را به سختگیری بیشتر در اعطای وام و افزایش نرخ بهره وادار خواهد کرد به طوری که در بلندمدت، غالباً نرخ بهره در جایگاهی بالاتر از نرخ اولیه تثبیت می شود. در بلندمدت به علت افزایش نرخ بهره، رشد سرمایه گذاریها که هدف



را اینگونه شرح می دهند.

$$\begin{aligned}
 ۱) \quad & M_t V_t = P_t Y_t \\
 ۲) \quad & M_{t-1} V_{t-1} = P_{t-1} Y_{t-1} \\
 ۳) \quad & \frac{M_t V_t - M_{t-1} V_{t-1}}{M_{t-1} V_{t-1}} = \frac{P_t Y_t - P_{t-1} Y_{t-1}}{P_{t-1} Y_{t-1}}
 \end{aligned}$$

بر اساس این فرمول اعلام نظر کرده اند که اگر فرض کنیم سرعت گردش پول به علت ثبات نسبی درروشهای دریافت و پرداخت در کوتاه مدت ثابت است و در طول زمان نیز به کندی تغییر می کند و همچنین اگر به دنبال ثبات قیمتها باشیم بنابراین:

$$۴) \quad V_t = V_{t-1}$$

$$۵) \quad P_t = P_{t-1}$$

و در اینصورت آنچه که از رابطه (۳) باقی می ماند عبارت خواهد بود از:

$$۶) \quad \frac{M_t - M_{t-1}}{M_{t-1}} = \frac{Y_t - Y_{t-1}}{Y_{t-1}}$$

که این رابطه عبارتست از:

$$۷) \quad \% \Delta M = \% \Delta Y$$

منظور از رابطه (۷) در واقع آنست که برای احتراز از کلیه مسائل و پیچیدگیهایی که بر اجرای سیاست های پولی مترتب است و مصونیت از تبعات فرازونشیبهای اقتصادی، بهتر است که مقامات پولی به عنوان یک قاعده از قبل توافق شده، تغییرات حجم پول را متناسب با تغییرات تولید ملی قرار دهند و تنها در موارد خاص و استثنایی که شوکهای مقطعی به اقتصاد وارد می شود نسبت به اعمال سیاستهای صوابدیدی مدیریت تقاضا اقدام نمایند.

طرفداران این مکتب معتقدند که این روش

اتلاف انرژی و زمان و حتی گاه دوری از اهداف منجر شوند. به عنوان مثال گفته می شود که سیاست پولی ابزار است که می توان به وسیله آن تورم را تا حدودی کنترل نمود (۷) ولی از آنجائیکه در جنب این اقدام معمولاً برای کنترل تورم از طریق توسعه زمینه عرضه کالاها و خدمات و ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضای کل از سیاستهای انبساطی مالی که از جمله وسائل و ابزار افزایش ظرفیت های تولیدی هستند نیز کمک گرفته می شود، این دو ابزار سیاسی با یکدیگر در تعارض قرار خواهند گرفت. بنابراین ضروری است که برای اجرای سیاست پولی و تلاش برای دستیابی به نتایجی مطلوب به این تعارضات و محدودیتهای سیاستگزاری و ابزارهای مورد استفاده آن توجه کافی مبذول گردد.

با توجه به این زمینه های نظری و نتایج حاصله از موارد تجربی، طرفداران نظریه جدید مقداری پول در بحثهای سیاست پولی اصرار بر اجرای سیاستهای ثابت و از پیش تعیین شده تغییرات حجم پول و احتراز از اعمال سیاستهای صوابدیدی مکرر در مقابله با عوارض اقتصادی دارند (۸). در این روش پیشنهادی، با عطف توجه به آنکه هدف اصلی از اجرای سیاست پولی تنظیم نقدینگی جامعه متناسب با نیازهای تولید ملی است، طرفداران این نظریه از زاویه رابطه مبادله در تئوری مقداری پول وارد شده اند و نسبت تغییرات آن

اقتصادی، از یک طرف به مؤسسات وام‌گاناتی نیازمند است که عملکرد ابزارهای اجرایی سیاستهای پولی را تسهیل کنند و از طرف دیگر نیز محتاج به شرایطی است که متغیرهای پولی بتوانند با سرعت و سهولت، متغیرهای میانی و هدف را در جهت مورد نظر اهداف سیاستهای اقتصادی و به مقدار مطلوب، تحت تأثیر قرار دهند.

رایج‌ترین مؤسسات مورد تأکید که لازمه اجرای سیاستهای پولی می‌باشند بازارهای فعال و کارآمد پول و سرمایه هستند که به صورت شبکه مجهز و گسترده بانکی و بورس معاملات اوراق بهادار در جامعه عمل کنند. در بخش بازار پول، جامعه به شبکه فعال و گسترده‌ای نیاز دارد که خدمات بانکی را با حداکثر سرعت و سهولت در همه جای کشور در اختیار عاملان اقتصادی قرار دهد بگونه‌ای که بر اثر این خدمات مناسب و مؤثر، فرهنگ استفاده از اینگونه خدمات نیز بین مردم اشاعه یابد و اکثریت داد و ستدها و معاملات بازرگانی از طریق سیستم بانکی انجام پذیرد. در بخش بازار سرمایه، به بورس فعال و کارآمد معاملات اوراق بهادار نیازمندیم بگونه‌ای که هم متقاضیان سرمایه بتوانند با ارائه اوراق سهام یا اوراق قرضه با حداکثر سرعت و حداقل هزینه به منابع مالی مورد نیاز خود دست یابند و از این طریق نیازهای مالی بنگاهها بموقع تامین شود و هم آنکه دارندگان منابع را کد بتوانند با استفاده از

پیشنهادی دارای مکانیزم‌های تنظیم خود کار است به این ترتیب که در زمان رکود که رشد تولید ملی کمتر از رشد عرضه پول می‌شود، مازاد عرضه پول ایجاد می‌گردد. که برای معالجه عوارض رکود راه حل مناسبی است. در زمان رونق نیز که رشد تولید ملی از رشد عرضه پول بیشتر می‌شود، مازاد تقاضای پول بوجود می‌آید که از راه‌های مناسب، برای کنترل تورم می‌باشد. شایان ذکر است که نظریه‌ها و استدلال‌ات موافق و مخالف فراوانی در زمینه این روش پیشنهادی ابراز شده است که در جهت پیشگیری از تطویل کلام از شرح و بسط آنها در این نوشتار خودداری می‌گردد. (۹)

نتیجه‌گیری کلی از مباحث مطروحه در قسمت اول آنست که سیاستهای پولی حتی در کشورهایی که دارای اقتصاد پولی پیشرفته‌ای نیز هستند هیچگاه با اطمینان کامل قابل اجرا نیست و به همین دلیل نیز اولاً وظائفی را که بر عهده سیاست پولی می‌گذارند وظائف محدود و کاملاً تعریف شده‌ای است، ثانیاً در کنار سیاستهای پولی و در جهت افزایش درجه احتمال موفقیت آن، بهتر است که از سایر سیاستهای مدیریت تقاضا نیز بطور متناسب و هماهنگ در کنار سیاستهای پولی استفاده شود.

فست دوم - عوامل مرتبط با شرایط اقتصادی ایران

اجرای سیاستهای پولی در هر جامعه

فعال برای انجام معاملات روی اینگونه داراییها در اختیار داشته باشد. تحقیقات تجربی نشان داده‌اند (۱۰) که نرخ بهره تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و نرخ سود مشارکت در عقود اسلامی پس از تصویب و اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا، از سوئی به علت قلت و پائین بودن آن در مقام مقایسه با سایر فرصت‌های سرمایه‌گذاری و از سوی دیگر به علت نرخ تورم و آهنگ رشد آن، هیچگاه در انگیزش عکس‌العمل بخش خصوصی دارای کارآئی لازم نبوده است و می‌توان گفت که به علت پیشی گرفتن نرخ تورم از نرخ بهره و یا نرخ سود مشارکت در عقود، بخصوص در دهساله اخیر، نوعاً شاهد نرخ بهره منفی در سیستم پولی کشور بوده‌ایم. از آنجا که ابزارهایی مثل نرخ تنزیل مجدد و ذخائر قانونی بانکها نیز ابزارهای دارای ماهیت انفعالی هستند و پس از تغییر آنها بایستی منتظر ماند تا با عکس‌العمل بخش خصوصی سیاست پولی فعال شود و همچنین تغییر در سطح و مقدار این ابزارها معمولاً بارعایت فواصل زمانی معین انجام می‌شود و اینطور نیست که بتوان بطور روزانه آنها را تغییر داد، در واقع عملیات بازار باز تنها ابزار اجرایی مؤثر در جهت اجرای سیاستهای پولی بشمار می‌رود. همانگونه که مشاهده نموده‌ایم بورس اوراق بهادار تهران که تنها بورس موجود در کشور است از قبل از پیروزی انقلاب تا زمان تعطیل شدن آن

خدمات تخصصی کارگزاران و کارشناسان با بیشترین و صحیحترین اطلاعات و کمترین خطر، متناسب‌ترین دارائی‌ها را که هماهنگ با امکانات مالی و زمانی ایشان باشد، بدست بیاورند. در واقع این دو بازار باید به عنوان بهترین مراکز اطلاعاتی و تخصصی که موجب تسهیل و تأمین نیاز عرضه‌کنندگان و متقاضیان منابع مالی می‌شود، ایفای نقش کنند. بفرض وجود دو بازار پیش‌گفته و در جنب آنها، به آنچنان شرایطی در اقتصاد، نیازمندیم، که با استفاده از این موسسات و امکانات، اجرای سیاست پولی با درجه قابل قبولی از مطلوبیت، عملی گردد. این شرایط نیز طیف وسیعی از ویژگیهای اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی را پوشش می‌دهد که تنها می‌توان به گوشه‌هایی از آنها اشاره کرد.

۱) عمده‌ترین ابزارهایی که برای اجرای سیاست‌های پولی در دسترس مقامات پولی قرار دارند عبارتند از خرید و فروش اوراق بهادار، نرخ تنزیل مجدد، نرخ ذخائر قانونی بانکها و تسهیلات اعتباری. لازمه مؤثر بودن اجرای سیاست پولی با استفاده از این ابزارها اولاً آنست که نرخ بازدهی (بهره یا سود مشارکت در عقود اسلامی) دارای آنچنان تأثیری بر عملکرد عاملان اقتصادی باشد که با تغییر آن بتوان مطلوبترین نتیجه را از طریق عکس‌العمل بخش خصوصی بدست آورد، ثانیاً اینکه جامعه دارای حجم قابل توجهی از دارئیهای اوراق بهادار باشد و محلی مناسب و

هیچگاه دارای فعالیت چشمگیری نبوده و پس از بازگشائی در سال ۱۳۶۷ تا کنون نیز دارای فعالیتی محدود به عرضه سهام شرکتهای دولتی با حجمی نه چندان قابل توجه بوده است. بنابراین غیرمتعارف نخواهد بود اگر ادعا شود که بغیر از اهرم تغییر در سقف تسهیلات اعتباری بانکها - که آن نیز خود ابزاری انفعالی است - در اقتصاد ایران فاقد ابزارهای اجرایی مؤثر برای اعمال سیاستهای پولی بوده ایم.

۲) خدمات سیستم بانکی به بخش خصوصی، چه تا قبل از پیروزی انقلاب و چه پس از آن، هیچگاه در حدی نبوده است که بتوان از آن به عنوان یک بازوی مؤثر اجرای سیاستهای پول نام برد. تا قبل از سال ۱۳۵۷، گوا اینکه سرویس های شبکه بانکی در اثر رقابت بانکها و عملکرد در نظام ربوی و تلاش برای سودآوری بیشتر، خدمات مؤثرتری در اختیار بخش خصوصی قرار می داده است ولی به علت روابط ناسالم در مدیریت بانکها، دستورالعمل های بانک مرکزی نوعاً مورد توجه قرار نمی گرفت و از این لحاظ بخش عمده ای از سیستم بانکی بیش از آنچه که خود را متعهد به اجرای سیاستهای مقامات پولی کشور بدانند در جهت کسب سود بیشتر - چه مشروع و چه نامشروع - گام برمی داشته اند، با اینهمه کمکی مؤثر به اجرای سیاستهای پولی نمی کرده است. پس از پیروزی انقلاب و ملی

شدن بانکها، نقیصه عدم رعایت دستورالعملهای بانک مرکزی، نوعاً مرتفع شده ولی به علت دولتی شدن بانکها و کاهش انگیزه های رقابتی، بخش خصوصی خدمات محدودتری از سیستم بانکی دریافت می کند. از طرف دیگر، آمار پولی سه دهه اخیر نشان دهنده این واقعیت است که فرهنگ استفاده از خدمات سیستم بانکی بین مردم کاملاً رایج نیست و در الگوی دریافت و پرداخت، روش نقدی و استفاده از اسکناس و مسکوک رایج است و استفاده از چک هنوز در جامعه ما امر متداولی نگردیده است. آمار موجود نشان می دهد که از سال ۱۳۳۸ الی سال ۱۳۶۸ بجز سالهای ۶۰ - ۵۷ که جامعه دارای تنش های سیاسی - اجتماعی بوده است و درصد نگهداری شده از جمع پول به صورت اسکناس و مسکوک بین ۵۰ الی ۶۵ درصد نوسان داشته است، به طور متوسط مردم حدود ۴۴ درصد از پول ( $M_1$ ) را بصورت اسکناس و مسکوک نگهداری می کرده اند (۱۱) این الگوی استفاده از اسکناس و مسکوک، از یک طرف به طور طبیعی، استفاده از سیستم بانکی را محدود می کند و از طرف دیگر قدرت کنترل مقامات پولی کشور را بر مبنای پولی و سپس کنترل عرضه پول را تضعیف می نماید که نتیجه آن کم اثر بودن اجرای سیاستهای پولی است.

از لحاظ میزان گستردگی خدمات بانکی و امکانات استفاده جامعه از این شبکه، دارای

صندوقهای قرض الحسنه که در همه جای کشور فعالیت می‌کنند از دیگر عواملی است که اجرای سیاستهای پولی را در ایران بعضاً با اشکال روبرو می‌کند. بیان این نکته مسلماً به معنای نفی نقش صندوقهای قرض الحسنه نیست که دارای هدفی عالی در افزایش رفاه قشر مستضعف جامعه هستند و در سه دهه گذشته نیز رسالت خود را با موفقیت انجام داده‌اند و کمک‌های ارزنده‌ای به طبقه محروم جامعه کرده‌اند. آنچه مورد نظر است آنست که فعالیتهای صندوقهای قرض الحسنه دارای ماهیتی انبساطی است و در زمانهایی که مقامات پولی برای اجرای برنامه‌های انقباضی تصمیم می‌گیرند، به علت تعارض موجود بین اهداف سیاست‌گذاری و ماهیت عملکرد صندوقها، برآیند حاصله اجرای سیاستهای پولی را تضعیف می‌کند.

۴) میزان درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت و نقش مسلط سیاستهای مالی همراه وجود نقایص بازاری (Market Imperfections) وجدائی کامل بخش پولی از بخش حقیقی اقتصاد، از دیگر عواملی است که اجرای سیاستهای پولی را در کشورمان با عدم موفقیت همراه کرده است. اتکاء بیش از اندازه به درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز در تاریخ چند دهه گذشته اقتصاد ایران، مقامات مسئول را از تفکر در زمینه تأمین نیازهای مالی کسر بودجه دولت از طریق استقراض ملی و فروش اوراق قرضه دولتی

محدودیتهای فراوانی بوده‌ایم. به عنوان نمونه در سال ۱۳۶۱ تعداد واحدهای بانکی فعال در سراسر کشور ۶۵۸۱ واحد بوده است. از این تعداد ۱۶۴۵ واحد (حدود ۰/۲۵) در تهران و ۴۹۳۶ واحد (حدود ۰/۷۵) در مراکز استانها و شهرستانها قرار داشته. باتوجه به تعداد جمعیت در سال ۱۳۶۱، ملاحظه می‌شود که به ازای هر ۳۵۰۵ نفر در پایتخت یک واحد بانکی و در برابر هر ۲۹۸۰ نفر در مراکز استانها و شهرستانها یک واحد بانکی موجود بوده است. در سال ۱۳۶۱ جمعیت شهرنشین حدود ۲۰۴۷۵۰۰۰ نفر بود که از خدمات بانکی استفاده میکردند. بنابراین حدود ۲۰۳۰۳۰۰۰ نفر جمعیت عشایر و روستانشین اساساً از خدمات بانکی محروم بوده‌اند. در واقع می‌توان گفت تنها حدود نیمی از جمعیت کشور است که از خدمات بانکی استفاده می‌کنند و این آمار محدودیتهای موجود در سر راه اجرای سیاستهای پولی را تا حدود بیشتری نمایان می‌کند. در سال ۱۳۶۱ از کل ۶۹۲۰۰ نفر از کارکنان بانکها حدود ۵/۴ درصد دارای تحصیلات لیسانس به بالا، ۵۴/۵ درصد تحصیلات دیپلم متوسطه و ۴۰ درصد دارای تحصیلات زیر دیپلم بوده‌اند (۱۲) و این نکته نیز مساله ضعف تخصص و مهارتها را در قبال انتظاراتی که از سیستم بانکی در اجرای مؤثر سیاستهای پولی داریم نشان می‌دهد.

۳) وجود بازارهای غیر متشکل پولی و

دورنگاه داشته است.

استقراض‌هایی که می‌توانسته است به فرهنگ گسترش و شیوع اینگونه دارائیه‌ها و رواج معاملات آنها بین مردم کمک کند و بورس اوراق بهادار را فعال نماید و از این طریق مؤثرترین ابزار اجرائی سیاست پولی را در جامعه بوجود آورد. از طرف دیگر تأمین منابع موردنیاز دولت از طریق استقراض از سیستم بانکی که طی دهسال گذشته، سالانه بین ۳۵۰ الی ۲۰۲۰ میلیارد ریال بوده است کنترل حجم پول را از دست خارج نمود و با توجه به اینکه افزایش حجم پول بیرونی مقداری بیش از حد متناسب، موجب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود (۱۳) این امر به فشارهای تورمی باشدت هرچه بیشتر دامن زد و در نتیجه یکی دیگر از اهداف اجرای سیاست‌های پولی که حفظ ارزش پول ملی است حاصل نشده است. از آنجائیکه معتقدیم یکی از وظائف اصلی سیاست‌های پولی آنست که پول را از نقش مخرب‌ی که می‌تواند در نظام اقتصادی داشته باشد باز دارد، اینگونه روش‌های تأمین کسر بودجه خود بیانگر عدم اجرای سیاست‌های صحیح پولی در دهساله اخیر اقتصاد ایران بود، است. همه گیر شدن نظام‌های کنترلی بخصوص در زمینه‌های واردات، خرید، فروش و توزیع و شدت گرفتن اینگونه نظام‌ها در سالهای پس از پیروزی انقلاب موجب گردید که مکانیزم قیمت‌ها از کاربرد و عملکرد صحیح خود دور بماند و نقایص بازاری

زیادی را که از گذشته به علت دور بودن دو بخش پولی و حقیقی اقتصاد از یکدیگر در جامعه وجود داشته است شدت بخشید. این جدائی و ناپیوستگی دو بخش اساسی اقتصاد از یکدیگر، یکی دیگر از وظائف اصلی سیاست‌های پولی را که ایجاد تعادل و نیل به اشتغال کامل منابع از طریق عمل و عکس‌العمل دو بازار پول و کالا است، تضعیف می‌کند. عدم کارآئی سیاست پولی در جذاب نمودن زمینه‌های سرمایه‌گذاری با استفاده از مکانیزم‌های پولی و در نتیجه ضعف بخش حقیقی در گسترش زمینه‌های تولید و ظرفیت‌سازی به کمبود عرضه کل منجر می‌گردد که خود از عوامل زمینه‌ساز بروز فشارهای تورمی است و به علت ضعف سیاست‌های پولی در پیشگیری این فشارهای تورمی بخصوص هنگامی که روند افزایش قیمت‌ها از آهنگ متعارف خارج شده و بصورت شوک‌های مقطعی به سیستم اقتصادی وارد شود، در اثر ایجاد جو بی‌اطمینانی قدرت تصمیم‌گیری و خطرپذیری را از مدیران بنگاه‌ها سلب می‌کند، در نتیجه سرمایه‌گذاری از آهنگ متناسب خود خارج می‌شود. از سوی دیگر نیز به علت نظام‌های پیچیده و کنترل شده، مکانیزم قیمت از انتفاع و کاربری در راهبری عملکرد اقتصادی ساقط می‌شود و آثار منفی شدیدی را بر تخصیص منابع تولید و استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود تحمیل می‌کند که این امر نیز به معنای تحمیل هزینه‌های

دسترسی به ابزارهای مناسب و متغیرهای مؤثر پولی، عدم کنترل مقامات پولی بر مبنای پولی و در نتیجه ضعف در کنترل عرضه پول، عدم امکان تأمین نیازهای مالی دولت از طریق استقراض ملی، ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مردم در عدم استفاده وسیع از خدمات سیستم بانکی، محدودیت شبکه بانکی در ارائه خدمات سریع و مؤثر به بخش خصوصی، نقش مسلط سیاست‌های مالی، نواقص بازار و همه گیر شدن نظام‌های کنترلی و کارا نبودن مکانیزم قیمت در راهبری عملکرد اقتصادی بخصوص در دهه اخیر، هیچگاه با موفقیت لازم همراه نبوده است و ضروری است که در جهت احیا و کارآ نمودن سیاست‌های پولی که می‌تواند بازوی توانمند اجرای سیاست‌های اقتصادی کشور باشد، برنامه‌ریزی حساب شده و منسجمی صورت پذیرد. از آنجائیکه آمار منتشر شده درباره نتایج حاصل از اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا در حدی نیست که بتوان موفقیت این قانون را در جهت جلب منابع و هدایت آن به بخش‌های مختلف سرمایه‌گذاری بدقت بررسی و تحلیل کرد، انجام این مهم لاجرم در عهده تحقیقاتی خواهد بود که در آینده انجام خواهد شد.

قسمت سوم - نگرشی به عوامل ساختاری بازدارنده در اجرای سیاست‌های پولی

در دو قست قبل موضوع نارسائی‌هایی که از لحاظ امکانات اجرائی و شرایط لازم برای پیاده نمودن سیاست‌های پولی با آنها مواجه

اجتماعی فراوانی برای جامعه اقتصادی است. به علت مجموعه‌ای از این عوامل است که مشاهده می‌شود نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی که در سال ۱۳۶۰ برابر ۰/۲۱ بوده است در سال ۱۳۶۶ به کمتر از ۰/۱۸ کاهش می‌یابد و نسبت استهلاکات سرمایه‌های ثابت به سرمایه‌گذاری که در سال ۱۳۶۰ حدود ۰/۳۷ بوده در سال ۱۳۶۶ به ۰/۵۷ رسیده است و نشان می‌دهد که حجم سرمایه‌های موجود با شدت هرچه بیشتر در مسیر استهلاک قرار دارند. این آمار همگی حاصل سلب قدرت تصمیم‌گیری و خطرپذیری از سوی مدیران بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری است که از عوامل مهمی همچون امنیت سرمایه و روشن نبودن مسأله مالکیت به دلیل نوسانات شدید نرخ تورم، فارغ می‌باشد که سرمایه‌گذار را بشدت دچار بی‌اطمینانی می‌نمایند. طی سال‌های ۱۳۶۰ الی ۱۳۶۶ براساس آمار منتشر شده نرخ تورم هر سال نسبت به سال قبل گاه به یک چهارم کاهش و سپس تا ۵ برابر افزایش می‌یابد و این نوسانات شدید است که قدرت پیش‌بینی عواملان اقتصادی را که اصلی مهم در تصمیم‌گیری است دچار ضعف و مخاطره می‌کند.

نتیجه‌گیری کلی از مباحث مطروحه در قسمت دوم آنست که اجرای سیاست‌های پولی در ایران بخصوص در دهه اخیر به علت عدم





عمده‌ترین اشکالات زیربنایی اقتصادی ایران را در اتکا به صادرات تک محصولی، ضعف زیرساختاری اقتصادی و صنعتی (کمبود انرژی - ارتباطات و راه‌های مواصلاتی و امثالهم.....)، ضعف آموزشهای تخصصی، ضعف مدیریت عمومی و سرانجام تمرکز عاملیت امور اقتصادی در دست دولت (به‌خصوص پس از پیروزی انقلاب) برشمرده‌ایم. اتکا به صادرات تک محصولی، اقتصاد را بشدت از نوسانات درآمدهای ارزی متأثر می‌کند، (۱۴) که خود می‌تواند معلول شوکهای سیاسی - اقتصادی و بازارهای بین‌المللی باشد و توانایی برنامه‌ریزی در یک نظام منسجم و موثر را از مسوولان اقتصاد کشور سلب می‌کند. در دهسال گذشته درآمدهای ارزی کشور که عمدتاً از محل فروش نفت بدست آمده است سالانه بین ۷ الی ۲۱ میلیارد دلار نوسان داشته و این افزایش و کاهش چشمگیر در میزان درآمدهای سالانه ارزی موجب شده است که برنامه‌ریزی و اجرای بسیاری از طرحهای سرمایه‌گذاری و واگذاری اعتبارات ارزی به‌بخش خصوصی که محل تأمین نیازمندیهای تولید است با مخاطرات فراوان مواجه گردد. ضعف آموزشهای تخصصی و مدیریت عمومی نیز به ضعف برنامه‌ریزی عمومی بطور اعم و مدیریت مواد بطور اخص دامن می‌زند، (۱۵) و بالاخره بخش صنعت و کشاورزی و خدمات اقتصاد در اثر نرسیدن مواد اولیه و قطعات

هستیم بررسی شدند. چنانچه اینک این نواقص و نارسائیه‌ها را در یک ارتباط علت و معلولی قرار دهیم و حداقل به عنوان یک تمرین ذهنی به ریشه‌یابی مسائل و مشکلاتی که نهایتاً ماشین اجرای سیاست پولی را کم‌راندمان می‌کنند پردازیم، می‌توان در جهت رفع این کاستیها به یک جمع‌بندی عمومی که به ارائه نظریات و پیشنهادهای پیرامون بهترین شیوه اجرای اینگونه سیاستها در ایران منجر شوند دست یافت. این مهم را از روی نمودار شماره سه دنبال می‌کنیم که در آن پاره‌ای از علت‌های اساسی و ساختاری که در طول زمان آثار کاستی‌ها را بر جنبه‌های مختلف زندگی اقتصادی منعکس می‌کنند شمرده شده، سپس در یک ارتباط شماتیک سیر تداومی این مشکلات بررسی گردیده‌اند. در مطالعه این نمودار توجه به این نکته ضروری است که در برقراری روابط علی، بهیچوجه ادعا بر آن نیست که موارد عنوان شده تنها عوامل مؤثر در هر مورد خاص می‌باشند و یا آنکه معلول مورد بحث تنها در اثر وجودیک یا چند علت بیان شده در این نمودار حادث می‌شود، بلکه سعی شده است آشکارترین عواملی که به شکل ریشه مشکلات رخ می‌نمایند به صورت نمونه‌ای اصلی عنوان گردند و اثرات آنها دنبال شود. مطمئناً با دقت نظر و تعمق بیشتر در هر یک از این علت‌ها، می‌توان به معلول‌های بیشتری دست یافت.

یدکی، با درجات مختلف، دچار کمبود می‌گردند که در نتیجه نمی‌توانند در ظرفیتهای مطلوب به تولید ادامه دهند و جامعه مرتباً در سطح کمتر از اشتغال کامل منابع تولید و ظرفیتهای تولیدی عمل خواهد نمود. ضعف زیرساختاری اقتصادی صنعتی - بطور مثال با کاستی‌های مکرری که در انتقال نیروی برق تجربه نموده‌ایم - همراه با کمبود راه‌های مواصلاتی و سیستم کارآمد شبکه حمل و نقل که از ویژگیهای اقتصادی صنعتی بسیاری از کشورهای در حال توسعه است به این اشکالات قوت می‌بخشند و اجازه نخواهند داد که از ظرفیتهای موجود کشور در حد بهینه و مطلوب، بهره‌برداری شود.<sup>(۱۶)</sup>

عدم امکان کنترل هزینه‌ها و عدم رعایت اقتصاد اندازه که عمدتاً منبعث از ضعف در مدیریت دولتی بنگاههاست در کنار ضعفهای تکنولوژی و خود کفائی صنعتی، که اتکای زیاد به واردات مواد اولیه و قطعات یدکی را تشدید می‌نماید<sup>۱</sup> موجب می‌شود که بنگاهها با داشتن هزینه‌های سربار و ضایعات زیاد و تولیدات نهائی ناکافی - که بخوبی مراحل بازرسی و کنترل کیفیت را گذارنیده باشند - محصول نهائی خود را با قیمت تمام شده گرانتری به مصرف کننده عرضه نمایند. به علت عدم امکان رعایت اقتصاد اندازه در نظام

تشکیلاتی اداره امور صنعتی و خدماتی، دیوانسالاری اداری و تورم پرسنلی اشاعه می‌یابد و بیشترین سهم از اعتبارات موجود به اعتبارات برای هزینه‌های جاری و پرسنلی تخصیص داده می‌شود که خود از عوامل مهم گران بودن قیمت تمام شده محصولات است. از طرف دیگر در اثر عاملیت بیش از حد متعارف دولت در امور اقتصادی حیطه فعالیت‌های خصوصی محدودتر می‌شود و اداره امور بازرگانی با بهره‌وری کمتر روبرو خواهد شد. که این خود از جمله نکات بسیار مهم و در خور بررسی‌های همه جانبه در جامعه ما است ولی به علت شرایط سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب هنوز بدرستی به آن پرداخته نشده. در این ارتباط تجربه شده است اقدامات دولت در امور اقتصادی که در موارد زیادی توصیه می‌شود و برای تامین رفاه جامعه ضروری است، براساس تجارب مکتسبه، همواره به صحیح‌ترین وجه اش صورت پذیرفته و با اعمال صرفه‌جوییهای لازم، انجام نشده است و در اغلب موارد نیز با سیاستهای مقامات پولی تناقضاتی داشته است. مرور آثار اقتصادی تصمیمات دولتها نشان می‌دهد به همان تعداد دفعاتی که این اقدامات دولت مفید فایده بودند، به همان تعداد دفعات نیز به عدم ثبات و عدم کارآئی منجر گردیده‌اند

۱- آمار ترکیب واردات گمرکی کشور حاکی از آنست که از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۵۷ واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و قطعات یدکی، هر سال بین ۶۰ تا ۵۲ درصد کل واردات را به خود اختصاص داده است.

دامن می‌زنند موجب توزیع ناعادلانه‌تر درآمد و ثروت می‌شود. از طرف دیگر نیز اتخاذ سیاست‌های بی‌رویه کسربودجه از محل استقرار از سیستم بانکی، کنترل عرضه پول را برای مقامات پولی دشوار می‌نماید و با توجه به کمبود عرضه کل فشار فزاینده‌بر سطح قیمت‌ها تشدید می‌شود و کنترل تورم را از دست خارج می‌کند. به موجب آمار در دسترس، کسر بودجه دولت طی ده سال گذشته سالیانه بین ۶۴۰ الی ۲۱۵۰ میلیارد ریال نوسان داشته و با توجه به اینکه نیازهای مالی دولت از طریق استقرار از سیستم بانکی تامین گردیده، موجب افزایش بی‌رویه عرضه پول و افزایش نقدینگی خصوصی شده است به ترتیبی که حجم نقدینگی بخش خصوصی که در سال ۱۳۶۰ حدود ۵۱۱۰ میلیارد ریال بوده است، در پایان سال ۱۳۶۸ به حدود ۱۶۹۹۰ میلیارد ریال رسیده است. فشارهای تورمی و توزیع ناعادلانه درآمدها، انگیزه کار و فعالیت و تعهد خدمتی را در کارکنان دولت که بخش عمده‌ای از اداره و تمشیت امور اقتصادی جامعه به عهده ایشان واگذار شده است به طور عم، وفی الجملة در

که این امر مبین ناهمگونی، بین‌بیش و حرکت مقامات پولی است، مقاماتی که براساس مسائل و عوارض اقتصادی جامعه و با توجه به بسیاری از ملاحظات سیاسی و اجتماعی تصمیمات خود را می‌گیرند. (۱۷)

تولید در ظرفیت کمتر از ظرفیتهای اسمی و قیمت تمام شده گران، نسبت سرمایه به تولید را افزایش می‌دهد و در واقع به معنای بهره‌وری کمتر از حجم سرمایه گذاریهاست، و این هر سه عامل نهایتاً موجب ضعف سودآوری و کمبود عرضه کل می‌شوند.<sup>۱</sup>

با ضعف سودآوری، طبیعتاً تمایل به سرمایه‌گذاری در بخشهای صنعتی و کشاورزی کاهش می‌یابد و گرایش به سمت خدمات کاذب و غیر موثر و دلالی و واسطه‌گری زیاد می‌شود. آمار موجود نشان می‌دهد که نسبت جمعیت فعال شاغل در بخش خدمات که در سال ۱۳۶۰ حدود ۳۳ درصد کل جمعیت فعال بوده است در سال ۱۳۶۵ حدوداً ۴۰ درصد جمعیت فعال در کشور را در بر گرفته است. (۱۹) این اشکال در کنار کمبود عرضه کل کالا و خدمات مفید و سیستم ناسالم توزیع که به فشارهای تورمی

۱- گویانکه در شرایط فعلی در اقتصاد ایران به علت از هم گسیختگی بسیاری از قواعد تولید و توزیع و حاکمیت تورم لجام گسیخته، تعیین قیمت فروش ممکن است بگونه‌ای باشد که ضعف سودآوری ظاهراً بچشم نیاید، ولی توجه خواهیم داشت که اولاً شرایط فعلی شرایط متعارف و احتمالاً همیشگی‌ای نیست که بتوان از آن به عنوان یک قاعده بحث کرد و ثانیاً ساختار هزینه جبران خدمات کارکنان، هزینه‌های سربار و چگونگی نسبت هریک از کل قیمت تمام شده محصول، حاکی از صحت این ادعاست که در متن نوشته شده است.

مختلف کشش پذیری تصمیم گیریهای عاملان اقتصادی در قبال تغییر متغیرهای کلان و یا کارآئی یا ناکارآئی نرخ بهره و یا اساساً حضور یا غیاب آن باشیم، باید به فکر اصلاح ریشه های اشکالات اقتصادی - اجتماعی - صنعتی باشیم. در واقع سیاستگزاریهای صحیح اقتصادی که باید با استفاده از ابزارهای مالی و درآمدی و پولی طراحی و پیاده شوند، زمینه ساز تسهیل در اجرای سیاستهای پولی خواهند بود زیرا در تمام کشورها، اجرای یک سیاست بتنهائی کافی نیست و در راه رسیدن به اهداف اقتصادی باید از انواع سیاست گذاریها استفاده کرد.

اما اینکه برای رفع پاره ای از مسائل و مشکلاتی که در این مقاله نوشته شد، چه باید کرد مسائل و موارد مختلفی قابل طرح است. که به طور مختصر به تعدادی از آنها اشاره می شود:

(۱) - تدوین و اجرای دوره های تخصصی آموزشهای صنعتی از طریق ایجاد و راهبری آموزشکده ها و انستیتوهای فنی و تحقیقاتی جهت تربیت متخصصان ورزیده که بتوان از این طریق ضایعات تولید را تقلیل داد و با افزایش کمی و کیفی تولید، هزینه های ثابت و سربار را به واحدهای بیشتری از تولید سرشکن نمود و گامی در جهت تقلیل قیمت تمام شده برداشت.

(۲) - اشاعه آموزشهای مدیریت در سطح

مورد کارکنان بانکها که به طور خاص مجری دستورالعملهای سیاستهای پولی هستند کاهش می دهد. عدم انگیزه به همراه ضعف آموزش کادر بانکها در اجرای سیاستهای پولی و بخصوص عقد و اجرای عقود اسلامی و بهره گیری از اختراعات پولی در جهت ارائه سرویس سریع و مطمئن به مشتریان به همراه محدودیت ابعاد شبکه بانکی در سطح کشور موجب می شود که نظام بانکی نتواند خدمات کافی و موثری در اختیار جامعه قرار دهد و این اشکالات به ضعف بازار پول می انجامد.

از طرف دیگر، مشکلات اقتصادی و صنعتی به همراه روشن نبودن مسأله مالکیت و بی اطمینانی از امنیت سرمایه ها موجب می شود که سپرده گذاران در حد بایسته در عرضه و تقاضای منابع، مشارکت نکنند. به این ترتیب از یکسو اجرای عقود اسلامی به عنوان مهمترین پدیده اقتصاد غیر ربوی در برقراری رابطه بین این دو طبقه از عاملان اقتصادی فعال نمی گردد و از سوی دیگر انتشار و عرضه اوراق سهام و به تبع آن تقاضای اینگونه دارئیها رایج نمی شود و به ضعف بازار سرمایه می انجامد و سرانجام ضعف بازارهای پول و سرمایه که در واقع آلات محرکه ماشین سیاست پولی هستند، در نهایت اجرای اینگونه سیاستها را با ضعف و نارسائی مواجه می کند.

با اینهمه مشاهده می شود که در اجرای سیاستهای پولی به جای آنکه نگران درجات

قانون اساسی ایجاد نموده است، و بازنگری اصولی در حدود وثغور عاملیت مستقیم دولت در امور اقتصادی و تبیین جایگاه بخش خصوصی، تعاونیها و نهادهای انقلابی در امور تجارت و صنعت که اینک در اداره امور صنعتی - خدماتی مباشرت بالاصاله وسیعی دارند.

۵ - طراحی، تدوین اجرای طرحی که براساس آن کارکنان بانکها در سهمی از سودی که در اثر اجرای عقود اسلامی که توسط آن شعبه از بانک منعقد گردیده است سهم و شریک باشند تا به این وسیله بتوان خودآموزی، ابتکار عمل و اندیشیدن به روش‌های جلب مشتریان و استفاده بیشتر از انواع خدمات و اختراعات پولی را که در اقتصادهای پیشرفته رایج است ولی هنوز در سیستم بانکی ایران بخوبی معرفی نشده‌اند، در کارکنان بانکها تقویت نمود.

بنظر می‌رسد این زمینه‌ها همگی دارای برآیندها و نتایج بسیار مفیدی هستند که موجب تقویت بنیه صنعتی کشور می‌شوند و بازتاب این تقویت صنعتی در فعال شدن بازار پول و بازار سرمایه، اشاعه عرضه و معاملات اوراق بهادار، فعال تر شدن سیستم بانکی و بازار بورس و تسهیل اجرای سیاستهای پولی دیده خواهد شد.

اولیه، میانی و بالای تشکیلات سازمانها، به ترتیبی که با استفاده از آخرین دست‌آوردهای دانش مدیریت به مناسب‌ترین و اقتصادی‌ترین اندازه سازمان دست یافت و نسبت داده‌ها به ستانده‌ها را تا حد مقدور کاهش داد.

در کنار این کارها باید به اقداماتی دیگر دست زد. نظیر آموزش مستمر و تلاش پیگیر در جهت تقسیم مؤثر کار و تخصصی نمودن وظائف که باعث تقلیل تورم پرسنلی، سطوح و طبقات ناخواسته اداری و تشکیلاتی و پیشگیری از دیوانسالاری و کاهش بهره‌وری نیروی کار است (۲۰) با این اقدام یکی از عمده‌ترین اجزای هزینه، کنترل خواهد شد.

در این ارتباط مساله تمرکز مدیریت و احتراز از تعدد مبادی تصمیم‌گیری، از جمله مواردی است که نباید در اداره مؤثر امور مدیریت از نظر دور داشت.

۳ - تلاش در جهت افزایش ظرفیتهای صنعتی - کشاورزی در جهت افزایش عرضه کل و ایجاد امکانات زیربنائی و ایجاد تنوع در تشکیلات تولیدی به گونه‌ای که تبدیل خطوط با سهولت بیشتری میسر گردد و عرضه کل را بیشتر کشش پذیر نماید و مبادی تولیدی داخلی را نیز از اتکای زیاد به واردات برهاند.

۴ - استفاده حداکثر از شرایطی که متمیم

## فهرست منابع

- 1- Pierice, D. G. & Shaw, D. M.  
 " *Monetary Economics, Theories, Evidence and Policy*" Butterwood and Co. pub. Ltd.  
 London 1972. Ch. 6, 7, 9.
- 2- OP. Cit. Ch. 3,14
- 3- Friedman, M. "The Role of Monetary Policy" AER. 58, No 1 March (1968) PP: 1-17 -
- ۴- نیک، تروی "تورم - راهنمایی بر بحران در تئوریهای اقتصادی معاصر" ترجمه دکتر حسین عظیمی و حمیدرضا غفارزاده مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر تهران ۱۳۶۲ - فصل هفتم.
- ۵- هامفری، توماس "تحلیلی از سیر تحول و پیامدهای سیاستگذاری منحنی فیلیپس" ترجمه دکتر اکبر کمبجانی. مجله تحقیقات اقتصادی. نشریه دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران - شماره ۴۱ - پاییز ۱۳۶۸ - صفحات ۲۹-۷۶.
- 6- Meltzer, A. H. "Two Opposing Views" in "The Role of Money in National Economic Policy" Economic Rev. FRB. of Boston. 1969. P: 27-29 .
- 7- Friedman, M. "Quantity Theory of Money-A Restatement." Studies in Quantity Theory of Money. Chicago University Press (1956)
- 8- Pierce, D. G & Show D. M "Monetary Economics. Theories, Evidence and Policy" Butterwood and Co. Pub. Ltd. London (1972) Ch. 14 .
- 9- Op. Cit. Ch. 14 .
- ۱۰- عمادزاده، مرتضی "مدل تقاضای پول برای اقتصاد ایران در ارتباط با سیاستهای پولی" رساله دکترای. دانشگاه آزاد اسلامی. اسفند ۱۳۶۸. بخش دوم.
- ۱۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران "ترازنامه و گزارشات اقتصادی" سالهای ۱۳۵۷- الی ۱۳۶۵.
- ۱۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران "ترازنامه و گزارشات اقتصادی" سالهای ۱۳۵۷- الی ۱۳۶۵.
- ۱۳- طبیبیان، دکتر محمد "اقتصاد کلان، اصول نظری و کاربرد آن" وزارت برنامه و بودجه. چاپ چهارم - ۱۳۶۷. فصل هشتم.
- 14- Charle, E. "Macroeconomics of Developing Countries" Tata McGraw-Hill Pub. Co. Ltd. New-Dehli. (1983) Ch. 3 .
- 15- Blaug, M. "Economics of Education" Penguin Modern Economics Texts London. 1976

Ch. 4 .

۱۶- بنی اسدی، دکتر محمدحسین و خجسته عبدالرحیم "تنگناهای توسعه صنایع دولتی ایران" سازمان مدیریت صنعتی - تهران - ۱۳۵۴ .

17- Friedman, M. Schwartz, A

"Has Government Any Role in Money" *Journal of Monetary Economics* No 17 (1986) PP: 37-62

18- Dean. J. "*Managerial Economics*" Prentice Hall of India. New Dehli (1982) Ch. 5 .

۱۹- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران "ترازنامه و گزارشات اقتصادی" سالهای ۱۳۵۷ الی ۱۳۶۵

20- Reynolds, L. G. "*Labor Economics and Labor Relations.*" Prentice Hall of India. New - Dehli (1978) Ch. 3-4 .